

مطالعه تطبیقی چگونگی توزیع مسئولیت
در «اشتراک در جنایت» با «نظریه تعامل متقارن»
ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی،^۱ مهدیه معالی^۲

چکیده

در برخی از صور مداخله در جنایت، مجنی علیه خود نیز در وقوع جنایت نقش دارد، به گونه‌ای که هم جانی است و هم زیان دیده. این وضعیت که به آن «اشتراک در جنایت» گفته می‌شود، در مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ قانون مجازات ۱۳۹۲ مورد اشاره قرار گرفته و قانون‌گذار به نوعی پذیرای تقصیر سهمی شده و بعد در پیش‌نویس لایحه ۱۳۹۹، نظریه ضمان سهمی به صورت عام‌تری پذیرفته شده است. با این حال به نظر می‌رسد حتی در صورت مشابهت کامل فعل و میزان تقصیر ایشان، همچنان میان جانی و مجنی علیه (که جنایتی بر خود وارد کرده) تفاوت‌هایی وجود دارد. بر این اساس مسئله پژوهش حاضر توجه به این نکته است که «ایراد جنایت بر خود» توسط مجنی علیه در کنار جانی/جانیان دیگر، می‌تواند بر چگونگی توزیع مسئولیت اثرگذار باشد؟ به دیگر سخن در فرض اشتراک در جنایت، اگر میزان تقصیر طرفین مساوی باشد، ضمان باید بالسویه تقسیم گردد یا به لحاظ اینکه یکی از آن‌ها بر خود جنایت وارد کرده و یکی بر دیگری، میزان متفاوتی از مسئولیت متوجه آن‌هاست؟ قرارگیری این مواد در قانون مجازات تحت عنوان موجبات ضمان، آن را با مسئولیت مدنی پیوند داده و در فرض اشتراک در جنایت به طور مشخص با «نظریه تعامل متقارن» که در آن به نقش زیان دیده توجه می‌شود مرتبط می‌شود. نتایج این پژوهش نشان داد خود ارتکاب جنایت توسط مجنی علیه دارای خصوصیتی است که به لحاظ نگرش‌های اقتصادی نسبت به جرم از جمله منطق هزینه-فایده، سطح سرزنش‌پذیری از منظر نظریات اخلاقی، انگیزه‌های مرتکب، میزان تقصیر بر اساس به خطر انداختن خود یا دیگران و مواردی از این دست، بر تعیین میزان تقصیر اثرگذار است.

کلیدواژه‌ها: اشتراک در جنایت، نظریه تعامل متقارن، ضمان سهمی، میزان تقصیر، میزان تأثیر.

^۱ - نویسنده مسئول، دانشیار، گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. A.alishahi@cfu.ac.ir

^۲ - دانشجوی دکترای فقه و حقوق جزا، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران. eng.um.maali@gmail.com

مقدمه

وجود رابطه استنادی، یعنی ملازمه عرفی بین فعل مرتکب و نتیجه مجرمانه به طوری که بتوان نتیجه را منبث از فعل فاعل دانست، از ارکان مهم جرایم به شمار می‌رود هر چند در خصوص اینکه به رکن مادی برمی‌گردد یا رکن روانی میان حقوق‌دانان اختلاف است. (آقای نیا، ۱۴۰۲، ص ۷۵؛ منصورآبادی، ۱۳۹۵، ص ۳۰۶) نظرات ایشان همچنین در خصوص اینکه احراز این رابطه در تمامی جرایم لازم است یا خیر مخلفتند. با این حال عده‌ای به درستی احراز این رابطه را در تمامی جرایم اعم از مطلق، مقید، عمدی، غیرعمدی، موجب حد، قصاص، دیه، تعزیر و ... ضروری می‌دانند. (مرادی، ۱۳۹۶، ص ۸۱) صرف نظر از دشواری‌هایی که در احراز رابطه استنادی وجود داشته و در برخی موارد تشخیص را حقیقتاً با مشکل مواجه می‌سازد، این رابطه دارای اقسامی است که از گذشته تا کنون به مناسبت موادی از قانون مجازات اسلامی را به خود اختصاص داده است. اقسام این رابطه را می‌توان در سه دسته مباشرت اعم از مباشرت واحد و اجتماع مباشرین، اجتماع اسباب اعم از طولی یا عرضی آن و نیز اجتماع سبب و مباشر جای داد.

در میان حالات مداخله گاه شرعاً وجود دارد که خود مجنی‌علیه نیز سهمی از جنایت را به عهده دارد؛ یعنی همزمان هم جانی است و هم مجنی‌علیه به طوری که جنایت وارده حاصل فعل خود او و غیر است. به چنین حالتی «اشتراک در جنایت» گفته می‌شود. برای بررسی این فرض پیش از هر چیز باید به تفاوت آن با «شرکت در جرم» و «شرکت در جنایت» توجه نمود. چرا که شرکت در جرم عبارت است از مداخله دو یا چند نفر در عنصر مادی جرم به طوری که آن جرم معلول مداخله این افراد باشد و به همه آن‌ها مستند شود. در شرکت در جرم، عمدی بودن فعل طرفین و حتی داشتن تبانی (مطابق ماده ۱۲۵ ق.م.ا) شرط است در حالی که در جنایت تنها انتساب مهم بوده و فعل طرفین خواه هردو عمد باشد خواه غیرعمد و خواه برخی عمد و برخی غیرعمد، شریک در جنایت محسوب می‌شوند. (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۸۴)

این پژوهش از پیشینه نسبتاً غنی برخوردار است. «تحولات تقسیم مسئولیت مدنی در تصادفات رانندگی» مواردی از تصادفات رانندگی که در آن تقسیم مسئولیت مدنی صورت می‌گیرد و به علاوه چگونگی این تقسیم را بررسی کرده است. (محمدی کمرسخ، ۱۳۹۴) «مسئولیت کیفری نسبی در صورت اجتماع اسباب» با تأکید بر دشواری تشخیص مسئول در فرض تعدد اسباب، چگونگی توزیع مسئولیت کیفری در فرض اجتماع اسباب را مطرح کرده و نظریات مختلف در این خصوص را مورد نقد و بررسی

قرار داده است. (موی کشکی، ۱۳۹۷) «میزان مسئولیت‌های حقوقی در تعدد اسباب» ضمن بررسی دو نظریه توزیع مساوی و توزیع نسبی مسئولیت، رویکرد قانون مجازات را در پذیرش هر یک از این دو نظریه در صور مختلف تعدد اسباب به بحث گذاشته است. (محمدی، ۱۳۹۷) «تحولات رابطه استنادی در حقوق کیفری ایران با تأکید بر پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی» تحولات قوانین کیفری در خصوص رابطه استنادی را مورد دقت قرار داده و بعد از تبیین رویکرد مقنن در سال‌های ۱۳۶۱، ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲، به تغییرات این رویکرد در پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی و مهم‌ترین تغییر آن یعنی پذیرش نظریه تسهیم (توزیع مسئولیت بر حسب میزان تأثیر رفتار مداخله‌کنندگان) در تمامی صور رابطه استنادی اشاره کرده است. (بختیاری، ۱۳۹۹) «بررسی میزان ضمان راننده در رابطه با آسیب‌های بدنی ناشی از تصادفات» با بررسی مبنای فقهی ضمان راننده در حوادث ناشی از سوانح رانندگی، به میزان مسئولیت مقصر در این حوادث از منظر قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی پرداخته است. (حسینی، ۱۳۹۹)

باوجود پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، همچنان نقاط ابهامی بر آن سایه افکنده است. این موضوع که قانون‌گذار در پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی، ضمان سهمی را در همه اقسام رابطه استنادی پذیرفته است جای خشنودی دارد. با این حال برای نزدیک شدن هرچه بیشتر به عدالت، همچنان باید تلاش‌هایی صورت گیرد. به عنوان مثال در فرض پذیرش ضمان سهمی در اشتراک در جنایت، در صورتی که جانی و مجنی‌علیه - که خود به نوعی جانی هم محسوب می‌شود - به طور مشترک مرتکب جنایتی شوند و تمامی عناصر در فعل آن‌ها یکسان باشد، پذیرش ضمان سهمی اقتضا می‌کند که ضمان طبیعتاً بالسویه میان آن‌ها تقسیم شود. این در حالی است که به نظر می‌رسد حتی در صورت مشابهت کامل فعل و میزان تقصیر ایشان، همچنان میان جانی و مجنی‌علیه (که جنایتی بر خود وارد کرده) تفاوت‌هایی وجود دارد. به عبارت ساده‌تر اگر ۱۰ قطره سم برای مرگ شخصی لازم باشد، ۵ قطره از آن را الف در غذا ریخته و ۵ قطره را ب بریزد و سپس الف غذا را بخورد و بمیرد، نمی‌توان به سادگی نتیجه گرفت که این دو از مسئولیت یکسانی برخوردارند؛ زیرا نفس مجنی‌علیه بودن با توجه به برخی ملاحظات، دارای خصوصیتی است که می‌تواند بر نقش او در تحقق جرم تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر گاه در مثال فوق، ب مسئولیت کامل نگهداری از الف را بر عهده دارد و در این صورت اساساً مسئولیتی متوجه الف نمی‌شود. علاوه بر این‌ها مثال‌های متعددی وجود دارد که به نظر می‌رسد صرفاً پذیرش ضمان سهمی و عبور از کنار آن، تمام آنچه باید در تقسیم مسئولیت صورت پذیرد نیست. بدین ترتیب اگر نخستین گام را پذیرش

ضمان سهمی بدانیم، گام بعدی تعریف معیاری مناسب برای تعیین میزان مسئولیت بر اساس میزان تأثیر است. هر چند اینکه ملاک را «میزان تأثیر» بدانیم یا «میزان تقصیر» خود پرسشی مهم است. البته ارائه چنین معیاری نیازمند پژوهش‌های گسترده است. بر این اساس مسئله پژوهش حاضر تنها توجه به این نکته است که «ایراد جنایت بر خود» توسط مجنی‌علیه در کنار جانی/جانیان دیگر، می‌تواند بر چگونگی توزیع مسئولیت اثرگذار باشد؟ به دیگر سخن در فرض اشتراک در جنایت، اگر میزان تقصیر طرفین مساوی باشد، ضمان باید بالسویه تقسیم گردد یا به لحاظ اینکه یکی از آن‌ها بر خود جنایت وارد کرده و یکی بر دیگری، میزان متفاوتی از مسئولیت متوجه آن‌ها است؟

فرض گفته شده یعنی اهمیت شخصیت مرتکب اعم از مجنی‌علیه بودن یا نبودن در تعیین میزان مسئولیت، در کنار این نکته که این مسئولیت تحت عنوان موجبات ضمان مطرح شده و به مباحث مسئولیت مدنی مربوط می‌شود، با «نظریه تعامل متقارن» که بیشتر در مسئولیت مدنی مطرح است، پیوند برقرار می‌کند؛ زیرا در این نظریه صحبت از مسئولیت زیان‌دیده و خوانده است. بدین جهت در این پژوهش در نخستین گام دیدگاه‌های فقهی و نیز رویکرد حقوق کیفری ایران نسبت به چگونگی توزیع مسئولیت در اشتراک در جنایت بیان می‌شود. پس از آن با روشن‌تر شدن حدود و ثغور بحث، در گام بعد نیز نظریه تعامل متقارن و ایرادات وارد بر آن تبیین شده و تلاش می‌شود به صورت تطبیقی و با نگاه نقادانه به این نظریه و توزیع مسئولیت در اشتراک در جنایت نگریسته شود تا مشخص گردد با وجود شباهت‌هایی میان این دو مقوله، چطور می‌توان از ایرادات وارد بر نظریه مذکور کمک گرفت تا معیاری دقیق‌تر در توزیع مسئولیت اشتراک در جنایت ارائه گردد. بر این اساس هر چند بررسی فقه امامیه، حقوق ایران و نظریه تعامل متقارن به صورت مجزا تنظیم شده است، اما هدف از این تفکیک، تسهیل تطبیق نهایی در بخش تحلیل تطبیقی بوده است که در ادامه به شیوه‌ای مزجی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. نظر به اهمیت نظریه تعامل متقارن در تحلیل نهایی مقاله، در بخشی مجزا چپستی، مصادیق و برخی نقدهای وارده بر این نظریه مورد بررسی قرار گرفته است تا مبنایی روشن برای تحلیل تطبیقی در نتیجه‌گیری فراهم گردد. لذا ساختار مقاله به گونه‌ای تنظیم شده که ابتدا دیدگاه‌های سه‌گانه (فقه، حقوق ایران و نظریه تعامل متقارن) به صورت پایه‌ای تبیین گردد. سپس در بخش نتیجه‌گیری، جنبه‌های مختلف مسئولیت کیفری به صورت یک‌جا و مقایسه‌ای تحلیل شود.

۱- دیدگاه فقه امامیه نسبت به چگونگی توزیع مسئولیت در اشتراک در

جنایت

۱-۱- ادله نقلی

در باب اشتراک در جنایات مسائلی در کتب فقهی مطرح شده است که فقها بر مبنای روایات، طرفین را بالسویه ضامن می‌دانند؛ اعم از اینکه میزان تقصیر و یا میزان تأثیر فعل آن‌ها برابر یا متفاوت باشد. مسائل پرتکرار در این باره عبارتند از:

- **نخست-** چند نفر مشارکاً در خراب کردن دیواری همکاری کنند و دیوار روی یکی از آن‌ها ریخته و کشته شود. در این صورت دیه بدون در نظر گرفتن نقش افراد در حادثه، میان همه تخریب‌گران از جمله مقتول به نحو مساوی توزیع می‌شود. (ابن جنید، ۱۴۱۶، ص ۳۵۸؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۷۷؛ فاضل آبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۴۱؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۶۷۵؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۷۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۶۵؛ حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۴۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۳۹۲؛ نجفی، ۱۴۱۲، ج ۴۳، ص ۱۱۰؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۱۹۷؛ خوئی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۰۱؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۸، ص ۹۸؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۱۴۶)

- **دوم-** ده نفر باهم ریسمان متجینق را بکشند و سنگی را پرتاب کنند و سنگ روی یکی از آن‌ها بیفتد و بمیرد. در این صورت نیز افراد بالسویه ضامن هستند لذا شخص از یک دهم دیه که سهم خود در جنایت است محروم می‌شود. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۳۳؛ نجفی، ۱۴۱۲، ج ۴۳، ص ۱۰۸؛ تبریزی، ۱۴۲۸، ص ۹۰)

- **سوم-** در تصادم دو شخص پیاده، دو کشتی یا دو حیوان و راکبین آن‌ها، فقها صرف‌نظر از شدت و ضعف اسباب، قاتل به تساوی در مسئولیت هستند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، صص ۳۳۹-۳۴۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۶۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۳۹۲؛ نجفی، ۱۴۱۲، ج ۴۳، صص ۶۳-۶۸) در خصوص تصادم دو وسیله نقلیه نیز حتی اگر میان جنس، قوت و ضعف و شدت حرکت آن‌ها تفاوت وجود داشته باشد، هریک ضامن نصف خسارت طرف مقابل هستند. (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۳۵)

- **چهارم-** اگر دو شخص طنابی را بکشند، طناب پاره شده و یکی از آن‌ها در اثر سقوط بمیرد، همانند مورد تصادم هردو بالسویه ضامن هستند. (حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۴۰؛ فاضل هندی، ۱۳۱۶، ج ۱۱، صص ۲۸۶-۲۹۵)

- **پنجم-** در مسئله معروف به «زبیه» که شخصی در حفره مربوط به شکار شیر می‌افتد و دیگری را می‌گیرد، او نیز فردی را گرفته و او دیگری را و به این ترتیب همه در چاه کشانده شده و می‌میرند، فقها بر اساس قضاوتی از امیرالمؤمنین (ع)، نظر به تساوی مسئولیت دارند.^۱ (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۳۸۹؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۷۵)

^۱ البته روایت متفاوتی از مسمع بن عبد الملک در این مسئله وجود دارد که به دلیل ضعف سند، توسط فقها کنار گذاشته شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد استدلال فقها بر حکم به مسئولیت بالسویه، از منظر ادله نقلی چنان بر روایات مستحکم است که از این جهت قابل خدشه به نظر نمی‌رسند. تا جایی که برخی اشکالات در این خصوص از جمله این که روایات وارده در باب تنها اختصاص به فرض تساوی شرکا در فعل دارند، تنها مختص به قتل عمد هستند، به موارد عدم تعیین نسبت تأثیر مربوط می‌شوند، در فرض تفاوت در تأثیر مطلق نیستند و یا اینکه با سایر روایات در تعارضند، همگی قابل پاسخ بوده و از این جهت راه گریزی از دلالت آن‌ها بر حکم به تساوی وجود ندارد. (محمدی، ۱۳۹۷، صص ۱۳۱-۱۴۰)

۲-۱- ادله تحلیلی

از منظر ادله تحلیلی نیز به قواعدی تکیه شده است. به عنوان مثال:

الف) قاعده عدل و انصاف

در تمسک به «قاعده عدل و انصاف» مطابق یک تبیین گفته شده که در مقام توزیع مال مشتبّه، اقتضای عدل و انصاف توزیع مساوی حقوق و اموال میان مدعیان است. (علامه حلی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۶۲؛ حوئی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۶۵۴؛ صدر، ۱۴۰۸، ص ۲۶۶؛ نائینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۶۸۰؛ کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۰۵؛ مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۱۶۳) سپس از قیاس مالکیت مال با ضمان نسبت به خسارت، نتیجه گرفته‌اند که مسئولیت می‌بایست به نحو مساوی میان افرادی که مسئولیت آن‌ها مشتبّه است توزیع شود. با این حال به نظر می‌رسد نگاه دوباره به مسئله نشان می‌دهد اتفاقاً معتبر دانستن تأثیر و تقصیر به عدل و انصاف نزدیک‌تر است. مضافاً بر اینکه مطابق برخی دیدگاه‌ها، مقتضای در موارد اتلاف مال مشتبّه، توزیع خسارت میان طرفین به نسبت مال آن‌ها است. (روحانی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۲۸۱) چنانکه برخی روایات نیز به نوعی مؤید این دیدگاه هستند.^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۲۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، صص ۲-۸) از سوی دیگر برخی اصولیون این قاعده را تنها در فصل خصومت و حکومت معتبر دانسته و منکر عمومیت آن می‌شوند. (صدر، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۴۰)

ب) قاعده الواحد

از دیگر مستندات قول به تساوی مسئولیت، «قاعده الواحد» است. بدین توضیح که هنگام مشارکت دو نفر در متلف واحد، در حقیقت متلف به عنوان واحد اعتباری ضامن است و چون این واحد اعتباری با مشارکت دو نفر پدید آمده، هر کدام می‌بایست ضامن

^۱ محمد بن علی بن الحسین یاسناده عن الحسین بن أبي العلاء، عن إسحاق بن عمار، قال: قال أبو عبدالله عليه السلام في الرجل يبيعه الرجل ثلاثين درهما في ثوب وآخر عشرين درهما في ثوب، فبعث الثوبين ولم يعرف هذا ثوبه ولا هذا ثوبه، قال: يباع الثوبان فيعطى صاحب الثلاثين ثلاثة أخماس الثمن، والآخر خمسي الثمن، قلت: فان صاحب العشرين قال لصاحب الثلاثين: اختر أيهما شئت قال: قد أنصفه.

نصف خسارت باشند. (کمپانی، ۱۴۰۹، ص ۲۴۴) اما استناد به این قاعده که یک قاعده عقلی است، در مسائل عرفی ناصواب است و از طرفی این قاعده مستندی برای اثبات وحدت صادر نخستین بوده و نزد فقها ناتمام است. (خوئی، ۱۴۶۱، ج ۳، ص ۴۲۳) افزون بر این اشکالات نیز باید گفت در اشتراک در جنایت استناد به این قاعده با مشکل مواجه می‌شود؛ زیرا در چنین فرضی کسی ضامن خود یا مال خود نیست. در نتیجه انتساب واحد اعتباری به مجنی علیه قابل توجیه نیست و به همین دلیل برخی فقها شمولیت این قاعده در اشتراک در جنایت را دارای اشکال ثبوتی می‌دانند. (کمپانی، ۱۴۰۹، ص ۲۴۴)

ج) قاعده اتلاف

وجود این اشکالات موجب شد تا «قاعده اتلاف» مستند حکم به تساوی در مسئولیت قرار گیرد. با این بیان که موصول در «من أتلف» عمومیت داشته و شامل افراد و اشتراک متلف می‌شود. بدین ترتیب عنوان «من أتلف بالاشتراك» بر هر کدام از شرکاء صادق بوده و هر کدام مستقلاً ضامن است. حال در فرض مشارکت در حصول زیان چون عنوان بر چند نفر صادق است، خسارت میان آن‌ها مساوی تقسیم می‌شود زیرا «من أتلف» بر هریک از عاملین صدق کرده و از این جهت تفاوتی میان آن‌ها نیست. (کمپانی، ۱۴۰۹، ص ۲۴۴) شاید این استدلال در نگاه اول وجیه به نظر برسد، اما صحت آن در صورتی است که قاعده منصوص باشد. حال آن که برخی نظرات این قاعده را اصطیادی می‌دانند. (خوئی، بی تا، ج ۱، ص ۵۲۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۴۵؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۹۴) از طرفی با پذیرش این نکته که عنوان «متلف» بر همه شرکا صدق می‌کند، باید دقت داشت توزیع مساوی مسئولیت بر فرضی استوار است که افراد در حدوث زیان نیز مساوی باشند. لذا اگر سهم هر عامل در ایجاد زیان مشخص باشد، هرکس مسئول عمل خودش خواهد بود. هم‌طور که «قاعده وزر» بر این امر دلالت دارد. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱۳، ص ۹۴) بر این اساس نهایت چیزی که از قاعده اتلاف به دست می‌آید اشتراک در مسئولیت است و هنگامی که قاعده وزر به کمک آن می‌آید، نتیجه این می‌شود که مسئولیت بر اساس میزان تأثیر فعل هر کدام از عاملین توزیع شود تا کسی سنگینی فعل دیگری را به دوش نکشد. البته واضح است این تحلیل زمانی امکان اجرا دارد که تشخیص میزان تأثیر فعل هریک از عاملان ممکن باشد. از این نکته شاید بتوان نتیجه گرفت علت عدم اعتبار میزان تأثیر در کلام فقها، همین مشکل در تشخیص بوده باشد.

البته باید توجه نمود که توزیع سهمی مسئولیت در فقه چندان هم بی سابقه نیست. رویکردی در بیان فقهای معاصر با معتبر شمردن «قدر عمل»، میزان تأثیر را در توزیع

مسئولیت مطرح می‌کنند. چنان‌که گفته‌اند: «اگر دو شخص شریک بودند در حفر چاه در غیر ملک، هر دو ضامن هستند با توزیع دیه به قدر عمل هر کدام» (بهجت فومنی، ۱۳۸۵، ص ۳۷۶) در جای دیگر نیز به مناسبتی برای تعیین میزان مسئولیت کارگر و کارفرما میزان تقصیر را ملاک عمل قرار می‌دهند. (صانعی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۸۱) با این حال پژوهش حاضر تنها درصدد بررسی اشتراک در جنایت است که در این خصوص اکثریت قریب به اتفاق فقهای معاصر در پاسخ استفتائاتی که از ایشان شده صریحاً مسئولیت هریک از طرفین را به میزان تقصیر آنان مرتبط می‌دانند. (قدسی، نوروزی، ۱۳۹۶، صص ۳۹-۴۰) از طرفی چنانکه گفته شده حتی با عبور از نظریه تساوی مسئولیت و پذیرش توزیع سهمی آن، این که ملاک باید میزان «تأثیر» باشد یا میزان «تقصیر» خود امری است علی‌حده که بررسی آن پژوهش مستقلاً می‌طلبد؛ زیرا میزان تأثیر ناظر به سهم هریک از اسباب در ایجاد خسارت و میزان تقصیر ناظر به زیان و خسارت واقعی ایجاد شده است. (صفایی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۵۶۸) هر چند این دو ملاک گاه در ادبیات حقوقی به جای هم به کار می‌روند، اما حقیقت آن است که این دو واقعاً با هم متفاوتند چراکه ممکن است فردی علی‌رغم تقصیر کم، جنایت زیادی را به بار آورد و بالعکس فردی با تقصیر شدید، تأثیر کمی بر جنایت داشته باشد. به نظر می‌رسد قانون مجازات اسلامی ملاک را میزان تأثیر می‌داند. با این حال هریک از این دو ملاک که انتخاب شوند، نسبت به نظریه تساوی از وجاهت بیشتری برخوردارند. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۳۸۳)

یکی از حقوق‌دانان هنگام بحث از شرکت مجنی علیه با جانی در جنایت، ضمن توجه به این حالت مثالی را ذکر می‌کنند مبنی بر اینکه مجنی علیه پس از مجروح شدن با استعمال دارویی سمی، مداوای جرح خویش را اراده کند و اتفاقاً به سبب آن سم و جرح بمیرد. در این صورت ایشان معتقدند: «آنچه در مقابل فعل مجنی علیه ایجاد می‌گردد ساقط است؛ زیرا خود وی عامل وجود آن است.» از این جمله نه تنها میزان تقصیر برداشت می‌شود، بلکه حتی می‌توان آن را با میزان تأثیر هم به نوعی مرتبط دانست. با این حال جالب است که ایشان بلافاصله پس از این جمله به فتوای برخی فقها استناد کرده، قائل به ضمان مساوی شده و می‌گویند: «ولی دم بعد از رد نصف دیه می‌تواند جانی را قصاص نماید.» (صادقی، ۱۴۰۱، ص ۲۳۴) مطالب مطرح شده در فقه امامیه، مبنایی ارزشمند برای مقایسه با دیدگاه‌های حقوقی و نظریه تعامل متقارن فراهم می‌سازد که در بخش‌های بعدی مورد بررسی تطبیقی قرار خواهد گرفت.

۲- رویکرد حقوق کیفری ایران نسبت به چگونگی توزیع مسئولیت در اشتراک در جنایت

در میان حالات شرکت در جنایت، مفهوم اشتراک در جنایت -مطابق تعریفی که رفت- می‌تواند به صورت اجتماع مباشرین، اجتماع اسباب و یا اجتماع سبب و مباشر مصداق یابد. مواد موجود در قانون مجازات اسلامی نیز بر همین اساس می‌توانند در هر مورد بر صورتی که خود مجنی علیه دارای نقشی در جنایت است مورد استفاده قرار گیرند. با این وجود تنها در دو ماده ۵۲۷ و ۵۲۸ ق.م.ا. ۹۲ در بحث تضادم، مستقیماً به نقش مجنی علیه پرداخته شده است؛ یعنی حالتی که مباشرین متعدد موجب ورود جنایت بر یکدیگر شوند که از موارد اجتماع مباشرین به صورت عرضی است. (محسنی، ملکوتی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۰) تضادم پیش از سال ۹۲ نیز موادی از قانون را به خود اختصاص داده بود. ماده ۴۰ قانون دیات سال ۶۱ و نیز مواد ۳۳۵ و ۳۳۶ ق.م.ا. سال ۷۰ به این موضوع اختصاص یافته بود. در این مواد مقنن بدون در نظر گرفتن شرایط حاکم بر جنایت و میزان تقصیر طرفین یا تأثیر فعل آن‌ها در وقوع جنایت، تنها قائل به توزیع مسئولیت به طور مساوی بود. برخی پژوهش‌گران این موضوع را متأثر از نفوذ تفکرات فلسفی در اندیشه حقوقی می‌دانند که موجب شد در دوره‌ای نظریه برابری شرایط و اسباب قدرت گیرد. (فلاح مظلومی، ۱۳۹۶، ص ۲۴۱) با این حال بعدها در ماده ۵۲۷ ق.م.ا. ۹۲ مقرر داشت: «هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد، مساوی باشد در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیاء دم او بپردازند.» از این ماده و مفهوم مخالف آن برمی‌آید برخلاف گذشته و نیز برخلاف سایر مواد مربوط به اشکال دیگر رابطه استنادی که حکم به توزیع مساوی مسئولیت می‌کنند، «میزان تأثیر» ملاک ضمان در این فرض است. با این حال به طور متعارضی ماده ۵۲۸ ق.م.ا. ۹۲، با نادیده انگاشتن میزان تأثیر، ضمان را به تساوی توزیع کرده و مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هر یک از رانندگان مسؤول یک سوم دیه راننده های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود و هر گاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه ای که برخورد به او

مستند شود، فقط او ضامن است.»^۱ (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۳، ص ۴۱۰) این در حالی است که نه روشن است مراد از «برخورد بی واسطه» در ماده ۵۲۷ تصادم دو پیاده است یا تصادم به نحو مباشرت، و نه واضح است که علت اختلاف میان حکم دو ماده ۵۲۷ و ۵۲۸ با وجود مشابهت آن‌ها چیست؟ این در شرایطی است که ماده ۵۲۷ برخلاف متن تحریرالوسیله بوده (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۶۰۱) و اگر این مخالفت به پشتوانه استدلالی صورت گرفته، چرا به فرض مذکور در ماده ۵۲۸ تسری نیافته است؟

البته این تعارض به دو ماده فوق منحصر نشده و در سایر مواد مربوطه نیز قابل مشاهده است. علی‌رغم اینکه قانون‌گذار در ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ۹۲ در فرض اجتماع سبب و مباشر توزیع مسئولیت بر اساس میزان تأثیر مداخله کنندگان را بدین شرح می‌پذیرد: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است.» اما جای تعجب است که در اجتماع اسباب به صورت طولی موضوع ماده ۵۳۳ و عرضی موضوع ماده ۴۵۳، ضمان نسبی پذیرفته نشده^۲ و این زمینه‌ساز مشکلاتی زیادی خواهد بود. به عنوان مثال اگر ۱۰ قطره سم موجب مرگ کسی شود و شخصی ۹ قطره از آن را در غذای الف بریزد و خود الف نیز یک قطره سم بریزد و بر اثر مصرف آن غذا بمیرد، با وجود امکان تصور تأثیر متفاوت مرتکبان، تشخیص حکم آن با مشکلاتی مواجه است.

گذشته از اقسام شرکت در جنایت، خصوص اشتراک در جنایت به طور مشخص در تحولات قانون مجازات اسلامی مسیر متفاوتی را پیموده است. قانون‌گذار در سال‌های ۶۱ و ۷۰ در بایی تحت عنوان «اشتراک در جنایت» به این موضوع پرداخته و با کافی دانستن انتساب، مسئولیت را بالسویه میان اطراف تقسیم می‌کرد. با این حال در قانون مجازات ۹۲، یک‌بار در ماده ۴۵۳ از عبارت اشتراک در جنایت استفاده کرده است: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد

^۱ با این حال در برخی موارد در صورت وجود قوانین خاص، میزان تقصیر و نظریه کارشناس را می‌پذیرد. در این زمینه بنگرید به صورت جلسه نشست قضایی تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۰۳ برگزار شده توسط استان کرمان/ شهر عنبر آباد.

^۲ نک: نظریه مشورتی شماره ۶۴۹/۱۴۰۲/۷: «ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ناظر آن است که دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جرم شوند و با توجه به صراحت ماده مذکور، شرکاء هر چند تأثیر رفتار آنان متفاوت باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند...»

هریک از شرکا یا عاقله آنها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است.» اما مشخص نیست قانون گذار منظور از اشتراک را دقیقاً چه حالتی اراده کرده؟ آیا واقعاً مراد سهم داشتن مجنی علیه در جنایت است، یا این عبارت به اشتباه به جای شرکت در جنایت به کار رفته است؟ البته در هر دو فرض ضمان را به طور مساوی تقسیم می کند. لازم به ذکر است که با وجود تأکید ماده بر اشتراک در جنایت موجب دیه، این ماده در نظریات مشورتی شماره ۱۲۱۸/۱۴۰۰/۷ و ۶۴۹/۱۴۰۲/۷، درباره قاعده کلی «اصل تساوی مسئولیت» مورد استناد قرار گرفته است. علاوه بر این، چنانکه گذشت در دو فرض اجتماع سبب و مباشر ماده ۵۲۶ و نیز اجتماع مباشری ماده ۵۲۷ نیز میزان تأثیر را مطرح کرده و از این طریق رگه هایی از تقصیر را می پذیرد.^۱ نکته مهم آن است که مقنن در این دو ماده نه از باب اشتراک در جنایت، که تحت عنوان موجبات ضمان مواد مربوطه را مطرح می کند و این خود نشانگر تغییر رویکرد وی در مسئله است که به طور قابل توجهی آن را به مسائل مربوط به مسئولیت مدنی نزدیک کرده است. شاهد مطلب اینکه پیش از تصویب این قانون نیز رویه عملی در این مورد با استفاده از ملاک ذیل ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹) بر اساس میزان تأثیر جاری بود. البته اینکه ملاک میزان تأثیر باشد یا تقصیر، خود نیازمند مباحث تحلیلی جداگانه است.

ردپای قوانینی که بر تقسیم مساوی مسئولیت میان مرتکبین در اشتراک در جنایت تصریح دارند، در رویه قضایی نیز مشهود است. به عنوان مثال در خصوص پرونده ای در ورامین به شماره دادنامه ۱۴۱۳/۲۲۲۳۰۹۹۷۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۰۴ درباره موضوع شرکت در جنایتی که مطابق رأی دادگاه بدوی، کارفرما بر اساس گزارش پزشکی قانونی به میزان ۷۰٪ مقصر دانسته شده بود، دادگاه تجدیدنظر استان تصریح کرد که هرچند طبق نظریه بازررس کار، مصدوم تنها به میزان ۳۰٪ در حادثه مقصر بوده، با این حال وفق ماده ۴۵۳ مسئولیت باید مساوی تقسیم شود و بنابراین کارفرما تنها به ۵۰٪ از دیات و ارزش های موصوف در دادنامه محکوم می گردد.

^۱ نک: نظریه مشورتی شماره ۲۵۴/۹۳/۷: «... در صورت انطباق فرض مطروحه با شرایط ماده ۵۲۶ قانون مارالذکر، میزان تأثیر هر یک از عوامل بر اساس نظریه کارشناس که مورد وثوق دادگاه بوده و منطبق با اوضاع و احوال قضیه باشد صورت می پذیرد و به هر صورت نظریه کارشناس طریقت دارد نه موضوعیت ضمناً چنانچه نیاز به اخذ توضیح از کارشناس و تکمیل نظریه باشد از سوی دادگاه استعلام لازم معمول و با توجه به ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ در صورت اقتضاء و نیاز به بررسی فنی دقیق تر، از هیات کارشناسان استفاده خواهد شد»

از طرفی در پرونده دیگری که در آن جا نیز متوفی نقشی در وقوع حادثه دارد، نظریه مشورتی به شماره ۱۷۷/۹۹/۷ ضمن تأکید ابتدایی بر تقسیم مساوی مسئولیت بر اساس ماده ۴۵۳، به استناد قسمت دوم ماده ۵۲۶ اعلام می‌دارد که در صورت تأیید نظریه کارشناسی، هریک از عوامل به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. این موضوع مورد تأیید هیئت عالی در نشست قضائی مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۸ نیز قرار گرفته است. بدین شرح که با مقدمات دوازده گانه استدلال شده است ماده ۵۲۶ می‌تواند به عنوان یک اصل موافق با قواعد مسلم حقوقی دانسته شده و بر اساس آن ماده ۵۲۸ نیز به مواردی انصراف پیدا کند که میزان تقصیر و مسئولیت مساوی باشد. این در حالی است که اداره حقوقی در بند ۳ نظریه شماره ۱۵۸۴/۱۴۰۰/۷ اعلام می‌دارد ماده ۵۲۶، ناظر به رفتار مرتکبین جنایت (مسبب و مباشر) غیر از مجنی علیه است. همچنین نظر هیئت عالی مستند به نظریه مشورتی شماره ۲۹۳۱/۹۷/۷ نیز بر همین امر تصریح دارد.

همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۲۳۵۳/۹۷/۷ مورخ ۱۳۹۷/۷/۱۵ اعلام می‌دارد در فرضی که کسی دیگری را تعقیب کند و آن شخص به منظور نجات جان خود فرار کند و حین فرار در اثر برخورد با اتومبیل به رانندگی ثالث فوت نماید، در صورت احراز رابطه علیت میان رفتار مباشر (راننده) با جنایت، راننده ضامن است که بر اساس آن توزیع مسئولیت کیفری بر مبنای تقصیر و رابطه علیت میان رفتار و نتیجه حاصله انجام شده است.

نظریه مشورتی شماره ۱۷۱۶/۹۶/۷ مورخ ۱۳۹۶/۷/۲۴ حاوی دو فرض است؛ نخست اینکه در حادثه رانندگی بین دو خودرو که منجر به ایراد صدمه بدنی گردیده یکی از راننده ها ۱۰٪ و یکی ۹۰٪ مقصر باشد، و فرض دوم اینکه در حادثه ناشی از کار منجر به صدمه بدنی، کارشناسان کارفرما را ۸۰٪ و کارگر را ۲۰٪ مقصر تشخیص دهند. بر اساس این نظریه، در فرض اول به استناد ماده ۵۲۸ ق.م.ا در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، صرف نظر از میزان تقصیر، هریک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه می‌باشد و رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷-۱۳۹۰/۱۲/۶ نیز موید این نظر است. در فرض دوم نیز چنانچه کارفرما و کارگر هر دو به نحو مباشرت یا هر دو به نحو تسبیب، موجب وقوع جنایت گردند به طوری که جنایت مستند به رفتار هر دو باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند و الا اگر یکی از عوامل به مباشرت (مثلاً کارگر) و عامل دیگر به تسبیب در وقوع جنایت تأثیر داشته باشد و جنایت مستند به رفتار آنان باشد (اجتماع مباشر و سبب) موضوع مشمول ماده ۵۲۶ قانون مجازات

اسلامی ۱۳۹۲ خواهد بود که تشخیص مصداق و تطبیق آن با قانون در هر مورد به عهده قاضی رسیدگی کننده است.

بنابراین هر چند میزان تقصیر در قانون و رویه قضایی اجمالاً مورد پذیرش قرار گرفته و این رویکرد با اصلاحات قانونی و نیز تفاسیر دقیق رفته رفته قوت می گیرد، اما همچنان وجود برخی تعارضات در مواد، موجب چند دستگی و تشتت آراء گشته است. افزون بر اینکه در ادامه تحلیل خواهد شد و رای پذیرش میزان تقصیر، اینکه کسی بر خود جنایت وارد کند یا بر دیگری، خود می تواند معیاری برای کشف و تعیین دقیق تر مسئولیت باشد. لذا سیاست متناقض قانون گذار در صور مختلف مربوطه همچنان قابل چشم پوشی نیست. البته این سیاست ها در پیش نویس لایحه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۹ تا حد زیادی همسو شده است، به طوری که در تمامی اقسام رابطه استنادی، ضمان سهمی نسبت به مسئولیت پذیرفته شده است. تحقیقات صورت گرفته در این زمینه نشان می دهند نظریه ضمان سهمی از مبانی فقهی و حقوقی برخوردار است (بختیاری، ۱۳۹۹، صص ۶۹-۸۲) که هر چند پرداختن به آن از بحث این پژوهش خارج است، اما رویکرد قانون گذار از این جهت قابل تقدیر بوده و تا حدود زیادی مشکلات را حل می کند. البته تعیین معیاری ضابطه مند برای میزان تأثیر خود مسئله ای نیازمند توجه است.

چنانکه گفته شد توجه قانون گذار به مسئله تحت عنوان ضمان صرف نظر از مبانی آن، مسئولیت کیفری را با مسئولیت مدنی پیوند می دهد. البته پر واضح است که این دو با وجود مشابهت ها، دارای تفاوت های اساسی با یکدیگر هستند. از میان این تفاوت ها آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است این است که در مسئولیت مدنی تمام موضوع جبران ضرر وارده است لذا این جبران می تواند توسط هر فردی انجام شود. در حالی که در مسئولیت کیفری، تحمل مجازات توسط شخص دارای موضوعیت است. (باریکلو، ۱۴۰۲، ص ۲۴) چه بسا برخی حقوق دانان از این بحث فراتر رفته و اساساً معتقدند همچنان که ضمان اموال از حوزه مسئولیت کیفری بیرون است، ضمان نفوس هم از نوع مسئولیت کیفری محسوب نمی شود. (میرسعیدی، ۱۳۹۰، ص ۴۸) با توجه به اینکه نظام حاکم بر جبران خسارت، نظام مبتنی بر اعاده مدنی است، از این حیث با مفاهیم حقوق مدنی و به طور ویژه «نظریه تعامل متقارن» مرتبط می شود. لذا مفاهیم خواننده و زیان دیده در این نظریه می توانند با مفهوم جانی و مجنی علیه البته در قسمت مربوط به جبران خسارت ناشی از جنایت، پیوند یابند. یافته های برگرفته از حقوق کیفری ایران در این حوزه، بستر لازم برای تطبیق با مبانی فقهی و نظریه تعامل متقارن را مهیا ساخته و امکان تحلیل مزجی را در ادامه فراهم می نماید.

۳- نظریه تعامل متقارن؛ چیستی، مصادیق و ایرادات وارد بر آن

اعتبار یا عدم اعتبار میزان تقصیر در حقوق اروپایی و کامن لا هم به لحاظ تاریخی بحثی ریشه‌دار است. این موضوع که از مباحث جدی در مسئولیت مدنی است، اغلب در ذیل تعدد اسباب مطرح می‌شود. حقوق روم و کامن لا نظریه «تقصیر مشارکتی»^۱ را در فرضی مطرح می‌کنند که خود زیان‌دیده نیز در ایراد خسارت با خوانده همراه است. (The Group of Authors, 1993: p1) در گذشته نظریه‌ای تحت عنوان «همه یا هیچ»^۲ در این باره اعمال قدرت می‌کرد که مطابق آن تنها یک طرف مسئول شمرده می‌شد؛ اما این نظریه به تدریج مورد نقد واقع شده و در نهایت جای خود را به نظریه «تقصیر نسبی»^۳ با رویکرد «دیدگاه تعامل متقارن»^۴ داد که مطابق آن برای شناسایی میزان تقصیر طرفین می‌بایست از معیار معقول و واحدی نسبت به آن‌ها استفاده شده و مسئولیت بر اساس آن توزیع گردد. این دیدگاه به سرعت شهرت یافت تا جایی که اصول اروپایی مسئولیت مدنی نیز در ماده ۸:۱۰۱ آن را پذیرفت.^۵ بر اساس دیدگاه تعامل متقارن، در شرایطی که عمل واحدی از دو طرف صادر شده و با فرض یکسان بودن سایر عناصر، مسئولیت باید میان طرفین دعوی به صورت مساوی تقسیم می‌شد. با این حال آورده‌های مطالعات بزه‌دیده‌شناسی^۶ نشان می‌داد که مواجهه یکسان با رفتار بزه‌کار و بزه‌دیده در برخی موارد از عدالت و انصاف فاصله می‌گیرد. این موضوع باعث شد تا اندیشه تعامل متقارن در عمل رو به تعدیل رفته و حتی در مواردی کنار گذاشته شود؛ بنابراین دادگاه‌های آمریکایی- انگلیسی در شرایط مساوی؛ گاه «معیار ذهنی»^۷ را نسبت به زیان‌دیده بیش از مقصر اعمال می‌کردند. (Condon v Condon [1978] RTR). (483) گاه با به رسمیت شناختن «واکنش آنی»^۸، در شرایطی که زیان‌دیده باعث ایجاد وضعیتی شده که مقصر مرتکب تقصیر شود، از معیار سهل‌گیرانه‌تری برای تعیین تقصیر

¹ Contributory negligence

² All-or-Nothing Rule

³ Comparative fault

⁴ Symmetry approach

⁵ Art. 8:101. (1) Liability can be excluded or reduced to such extent as is considered just having regard to the victim's contributory fault and to any other matters which would be relevant to establish or reduce liability of the victim if he were the tortfeasor. (2) Where damages are claimed with respect to the death of a person, his conduct or activity excludes or reduces liability according to para. 1. (3) the contributory conduct or activity of an auxiliary of the victim excludes or reduces the damages recoverable by the latter according to para. 1.

⁶ از این نظر می‌توان زیان‌دیده و بزه‌دیده بودن را از جهت وجه جبران خسارتی آن نظیر هم دانست.

⁷ Subjective Standard

⁸ The Agony of Moment

وی استفاده می‌شد. (Simons, 2015: p37) گاه نیز با در نظر گرفتن معیار «صرف بی‌توجهی»^۱ به شرایطی توجه داشتند که بی‌توجهی زیان‌دیده نقش مؤثری در بروز حادثه داشته است. (Deakin, Johnston, & Markesinis, 2001: p756) البته این نکته نیز از دید دادگاه‌ها مغفول نمانده بود که در مواردی علی‌رغم تقصیر محرز زیان‌دیده، به دلایلی مسئولیت کامل جریان خسارت با مقصر است. نظیر آن که او صریحاً موظف به مراقبت از زیان‌دیده باشد.^۲ (Dobbs, 2001: pp33-39) یا آن که زیان‌دیده به دلیل صدمه قبلی نیاز به مراقبت داشته و مقصر به مراقبت پزشکی وی متعهد می‌شود.^۳ یا در مواردی که زیان‌دیده هیچ تکلیفی ندارد^۴ و لذا تقصیر او تأثیری در مسئولیت مقصر نخواهد داشت.^۵ علاوه بر این‌ها در مواردی نیز با وجود تقصیر محرز خواننده، رأی دادگاه رد دعوی جبران خسارت بود؛ مانند آن که زیان‌دیده در جریان یک رفتار غیرقانونی یا قابل سرزنش اخلاقی، صدمه ببیند.^۶ (The Group of Authors, 2001: p14)

بر اساس آنچه گفته شد، محاکم انگلستان و آمریکا در صورت مواجهه با شرایط مذکور، از رویه غالب خود که تعامل متقارن با طرفین است عدول می‌کنند. این امر پژوهش‌گران را به فکر واداشته که با وجود استثنائات زیاد برای عدول از دیدگاه اصلی، آیا همچنان در نظر گرفتن تقصیر طرفین به عنوان دو مفهوم مشابه، عادلانه است؟ حقیقت آن است که در بسیاری موارد عمل به این دیدگاه و توزیع مساوی مسئولیت پذیرفتی است. مثل شرایطی که حادثه «اتفاقی» یا بر اثر «حواس‌پرتی» همه افراد مثلاً در یک تصادف زنجیره‌ای رخ می‌دهد؛ اما موارد زیادی نیز وجود دارد که اعمال معیار تعامل متقارن، تفاوت‌های میان رفتار زیان‌دیده و مقصر را -که در شرایط مساوی بودن سایر عناصر، تنها به شخصیت آن‌ها مرتبط است- با ابهام مواجه می‌کند. مثلاً زمانی که راننده یک خودرو بر اثر حواس‌پرتی به عابری که او نیز به خاطر حواس‌پرتی بی‌پروا از عرض خیابان عبور می‌کند برخورد نماید، نمی‌توان مسئولیت ناشی از فعل این دو که در

^۱ Mere Inattentiveness Doctrine

^۲ مثل مسئولیت کامل پرستاری که برای مراقبت از بیمار آلازیمری استخدام شده و بیمار به صورت عمدی یا غیرعمدی به خود آسیب رسانده است که در این صورت از تقصیر زیان‌دیده چشم‌پوشی می‌شود.

^۳ مثلاً شخص با رانندگی پرخطر اتومبیل خود را واژگون کرده و در بیمارستان به خاطر کوتاهی در عملکرد پزشک آسیب جدی به وی وارد شود. در این شرایط نمی‌توان به تقصیر مقدماتی خواهان و متعاقب آن تقصیر مشارکتی استناد نمود.

^۴ plaintiff no duty

^۵ مثلاً شخصی بر اساس حقوق شهروندی خود به منطقه جرم‌خیز رفته و مورد آسیب قرار گیرد. در چنین حالتی مسئولیتی متوجه وی نیست زیرا اشخاص تکلیفی در پیشگیری از بزه‌دیدی خود ندارند. البته این دیدگاه بر اساس قاعده اقدام می‌توان مورد خدشه قرار گیرد.

^۶ مثل سارقی که در مسیر فرار از دست پلیس به علت سرعت غیرمجاز دچار سانحه شود.

مورد عابر رفتار پرخطر تنها خودش را تهدید کرده^۱ و در مورد راننده باعث ایجاد خطر برای دیگران هم شده^۲ را مساوی دانست. لذا صرف نظر از تحمل ضرر توسط زیان دیده، نکته مهم آن است که کدام طرف می توانسته اقدامات احتیاطی بهتری برای پیشگیری از بروز حادثه انجام دهد؟ بنابراین اعمال معیار یکسان نسبت به دو طرف نباید از تفاوت میان آن ها چشم پوشی کند. (The Group of Authors: 2009, p123)

البته ممکن است ابتدائاً بی طرفی در نگرش به طرفین امری منصفانه به نظر برسد و ادعا شود که مواردی چون فراموشی، بی مهارتی، خیال بافی، بی مباله‌ی، بی توجهی و ... به خودی خود خطرناکند اعم از اینکه برای خود فرد خطرآفرین باشند یا دیگران و بر این اساس تقصیر اخلاقی و قانونی یکسانی را متوجه مرتکب می کنند؛ اما چنین استدلالی از یک سو شدت و قلمرو افعال را نادیده می گیرد؛ به عنوان مثال خطرات حاصله از غفلت رانندگان بسیار شدیدتر و گسترده تر از عابران است. از سوی دیگر نیز یکسان سازی سایر عوامل مؤثر در تعیین میزان تقصیر مثل انگیزه، زمینه‌ای که زیان دیده از آن مطلع بوده و ... را به فراموشی می سپرد زیرا اساساً امکان این یکسان سازی وجود ندارد. بدین سان به نظر می رسد مسئله به سادگی پاسخ به این پرسش نیست که فعل ارتكابی صرفاً برای عامل آن خطرآفرین بوده یا دیگران را هم تهدید کرده است.

علاوه بر این ها نقدهای دیگری نیز بر نظریه تعامل متقارن وارد است. افرادی که از دیدگاه اقتصادی به قواعد حقوقی نگریسته و آن ها را با منطق هزینه-فایده می سنجند، معتقدند تقصیر طرفین به لحاظ صرف هزینه و کسب منفعت، به رغم وجود برخی مشابهات دو الگوی مستقل را دنبال می کنند. همچنین گفته می شود گاه شخص با خطری که برای خود ایجاد می کند منفعتی را کسب می کند که این منفعت برای دیگری بی معناست. لذا این دیدگاه از نظر اقتصادی قابل توجیه نیست. از دیدگاه اخلاقی نیز انتقاداتی متوجه این نظریه می شود. به این توضیح که «هنجارهای اخلاقی درون شخصی»^۳ با هنجارهای قانونی که بر رفتار مخاطره آمیز اعمال می شوند متفاوت بوده و از این جهت هنگام مساوی بودن سایر شرایط، انتظار می رود ایجاد خطر برای خود کمتر از ایجاد آن برای دیگران قابل سرزنش باشد. همچنین فردی که با غفلت خود جان (نفر) را به خطر می اندازد، کمتر از راننده اتوبوسی با ۴۰ سرنشین سرزنش می شود؛ بنابراین رفتار زیان دیده در تعیین حدود مشروعیت طلب خسارت تأثیر گذار است. (شهباز قهفرخی، ۱۳۹۹، صص ۱۴۱-۱۴۵)

¹ Self-Risk case

² Risk to Other Case

³ Interpersonal moral norms

در مجموع به نظر می‌رسد علی‌رغم اینکه نظریه تعامل متقارن به عنوان یک دیدگاه غالب در حقوق کامن‌لا پذیرفته شده است، با این حال اشکالاتی متوجه آن است که حتی با وجود استثنائات متعدد، اعمال این نظریه را با مشکل مواجه ساخته و قانون را در عمل از عدالت دور می‌کند؛ بنابراین اگرچه ممکن است تصور شود گذار از مسئول شمردن تنها یک طرف و یا توزیع مساوی مسئولیت میان طرفین و سپس معتبر شمردن میزان تقصیر مشکل را حل می‌کند، اما پرسش بعدی این است که در صورت یکسان بودن همه عناصر، نفس مشارکت زیان‌دیده در فعل ارتكابی، می‌تواند به مثابه یک ملاک در توزیع مسئولیت اثرگذار باشد؟ با توجه به آنچه گفته شد پاسخ به این پرسش مثبت است. هرچند سامان دادن یک نظریه جامع در تعیین دقیق میزان تقصیر با در نظر گرفتن هویت زیان‌دیده‌گی یا غیر آن، پژوهش‌های دیگری را می‌طلبد.

نتیجه‌گیری

اشتراک در جنایت یعنی شرایطی که خود مجنی‌علیه هم سهمی در وقوع جنایت دارد، علاوه بر آنکه در اقسام شرکت در جنایت قابل تصور است، به طور مشخص نیز دارای مثال‌های متعددی در میان روایات فقهی است. مثلاً فرض تصادم دو پیاده، تصادم دو سواره، یا هنگامی که ۱۰ نفر در حال پر تاب سنگ با منجنیق هستند ولی سنگ روی یکی از آن‌ها می‌افتد و می‌میرد، یا چند نفر در حال خراب کردن دیوار هستند و دیوار روی یکی ریخته و جنایتی بر او وارد می‌شود و ... که در این روایات بدون در نظر گرفتن میزان تقصیر، طرفین بالتساوی ضامن دانسته شده‌اند. این در شرایطی است که به طور مثال در تصادفات که بارزترین و مبتلا به ترین مثال اشتراک در جنایت است، به وفور دیده می‌شود که میزان تقصیر واقعاً یکسان نیست. قانون مجازات اسلامی ۹۲ به جز دو مورد، به تبعیت از قول مشهور در فقه مسئولیت را به مساوات تقسیم می‌کند. یکی از آن دو مورد فرض اجتماع سبب و مباشر موضوع ماده ۵۲۶ است و مورد دوم موضوع ماده ۵۲۷ است که البته روشن نیست مراد اجتماع مباشری است یا تصادم دو پیاده. به هر صورت این موضوع از دید پژوهشگران مغفول نمانده و تلاش آنان موجب شده تا در پیش‌نویس لایحه قانون مجازات ۱۳۹۹، ضمان سهمی در همه صور رابطه استنادی پذیرفته شود. با این حال مسئله حل نشده همچنان تعریف معیار برای تعیین میزان تقصیر است. به عنوان عاملی تأثیرگذار در این ملاک، پژوهش حاضر فرضی را مطرح می‌کند که کلیه عناصر فعل طرفین در اشتراک در جنایت یکسان است و به تبع مسئولیت بالتساوی تقسیم می‌گردد. در حالی که به نظر می‌رسد خود ارتکاب جنایت توسط مجنی‌علیه دارای خصوصیتی است که به لحاظ نگرش‌های اقتصادی نسبت به جرم از جمله منطق هزینه-فایده، سطح سرزنش‌پذیری از منظر نظریات اخلاقی،

انگیزه‌های مرتکب، میزان تقصیر بر اساس به خطر انداختن خود یا دیگران و مواردی از این دست، بر تعیین میزان تقصیر اثرگذار است.

چنین نتیجه‌ای با توجه به مطالعه تطبیقی اشتراک در جنایت با نظریه تعامل متقارن در باب مسئولیت مدنی به دست آمده است؛ زیرا بحث از ضمان در اشتراک در جنایت این دو مقوله را به هم نزدیک کرده است. البته باید توجه داشت نظریه تعامل متقارن در حقوق کیفری ایران به مسئله توزیع مسئولیت میان جانیان بر اساس سهم هر یک در تحقق جنایت مربوط می‌شود. لذا برخلاف دیدگاه‌های مدنی که بر عدالت قراردادی تأکید دارند، این نظریه در حقوق کیفری با هدف تعادل در مجازات و جبران خسارت طراحی شده است.

بدین ترتیب از یک سو با توجه به انتقاداتی که بر نظریه تعامل متقارن وارد است و از سوی دیگر با توجه به اینکه مفهوم زیان دیده در این نظریه با مجنی علیه در اشتراک در جنایت به هم نزدیک می‌شود، به نظر می‌رسد توجه به شخصیت مجنی علیه هنگام توزیع مسئولیت در فرض اشتراک در جنایت موضوعی حائز اهمیت است؛ بنابراین اگر پذیرش ضمان سهمی در اشتراک در جنایت را گام نخست قانون‌گذار در نظر بگیریم، اعمال تفاوت میان مجنی علیه و طرف یا اطراف دیگر جنایت در این فرض گام بعدی است. البته دقت در این مسئله می‌تواند دایره این ایده را محدود کند. با این توضیح که مفروض در آن آگاهی مجنی علیه در ایراد جنایت بر خود است. این مفهوم با جنایت عمدی در حقوق کیفری منطبق می‌شود. البته در فرض عدم آگاهی یعنی جانیات غیرعمدی نیز می‌توان ملاحظات را در نظر گرفت چون در چنین شرایطی هم امکان احتیاط بیشتر و مراقبت از خود برای مجنی علیه وجود داشته است. هرچند در بیان فقها به جای میزان تقصیر، از میزان تأثیر سخن رفته که این خود تا حدودی مشکلات را حل می‌کند؛ زیرا می‌توان ملاحظات مربوط به ایراد جنایت بر خود توسط مجنی علیه را در آن نهفته دید. با این حال حتی اگر از میزان تأثیر هم تبعیت کنیم، همچنان لازم است تا هنگام تعریف ملاکی ضابطه‌مند برای آن، به شخصیت مجنی علیه که در اشتراک در جنایت در کنار دیگران بر خود جانیاتی وارد آورده است، با تفکیک صور جانیات عمدی و غیرعمدی از نظر سطح آگاهی مجنی علیه نسبت به جنایت توجه نماییم. در نهایت پیشنهاد می‌شود قانون و رویه قضایی به نحوی توسعه یابد که سهم مسئولیت هر طرف به صورت عادلانه و بر اساس تأثیر واقعی هر یک بر وقوع جنایت تعیین شود.

منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. جلد ۳، قم: دفتر نشر اسلامی، دوم.
۲. ابن جنید، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). *مجموعه فتاوی ابن جنید*. قم: دفتر انتشارات اسلام، اول.
۳. اردبیلی، محمدعلی. (۱۴۰۳ش). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم. تهران: میزان، شصت و پنجم.
۴. آقایی نیا، حسین. (۱۴۰۲ش). *جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص*. تهران: میزان، بیستم.
۵. باریکلو، علیرضا. (۱۴۰۲ش). *مسئولیت مدنی*. تهران: میزان، یازدهم.
۶. بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیه*. جلد ۲، قم: نشر الهادی، اول.
۷. بختیاری، علیرضا. (۱۳۹۹ش). *تحولات رابطه استنادی در حقوق کیفری ایران با تأکید بر پیش نویس لایحه قانون مجازات اسلامی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
۸. بهجت فومنی، محمدتقی. (۱۳۸۵ش). *جامع المسائل*. قم: دفتر آیت الله العظمی بهجت (ره).
۹. تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۸ق). *تنقیح مبانی الاحکام، کتاب الدیات*. قم: دار الصدیقه الشهیده، اول.
۱۰. حسینی عاملی، جواد بن محمد. (بی تا). *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*. جلد ۱۰، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، اول.
۱۱. حسینی، رحیم. (۱۳۹۹ش). *بررسی میزان ضمان راننده در رابطه با آسیب های بدنی ناشی از تصادفات*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۷ق). *نهایه الوصول الی علم الاصول*. جلد ۴، قم: موسسه امام صادق (علیه السلام).
۱۳. خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۲ش). *تحریر الوسیله*. جلد ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول.
۱۴. خوانساری، احمد بن یوسف. (۱۴۰۵ق). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*. جلد ۶، قم: اسماعیلیان، دوم.

۱۵. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۶ق). **صراط النجاه**. جلد ۳، قم: مکتب نشر المنتخب، اول.
۱۶. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). **مبانی تکمله المنهاج**. جلد ۲، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، اول.
۱۷. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). **مصباح الاصول**. تقریر: محمد سرور واعظ حسینی بهسودی، جلد ۱، قم: داوری، اول.
۱۸. خوئی، سید ابوالقاسم. (بی تا). **مصباح الفقاهه**. تقریر: محمد علی توحیدی، جلد ۱، قم: داوری.
۱۹. روحانی، محمد صادق. (۱۳۸۲ش). **زبدہ الاصول**. جلد ۵، تهران: حدیث دل، دوم.
۲۰. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). **مہذب الأحکام**. جلد ۲۹، قم: مؤسسه المنار، چهارم.
۲۱. شهباز قہفرخی، سجاد. (۱۳۹۹ش). **تبیین و نقد نظریہ «تعامل متقارن» در تعیین میزان تقصیر زیان دیدہ و خواندہ دعوی در مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر**. مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۴، شماره ۱۱۱، صص ۱۳۱-۱۴۸.
۲۲. شہید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). **مسالك الافہام**. جلد ۱۵، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیہ، اول.
۲۳. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین. (۱۴۱۳ق). **من لا یحضرہ الفقیہ**. جلد ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم.
۲۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). **تہذیب الاحکام**. جلد ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیہ، چهارم.
۲۵. صادقی، محمد ہادی. (۱۴۰۱ش). **حقوق جزای اختصاصی (۱): جرایم علیہ اشخاص**. تهران: میزان، بیست و سوم.
۲۶. صانعی، یوسف. (۱۳۸۴ش). **استفتائات قضایی (کلیات قضا - جزائیات)**. جلد ۱، تهران: میزان.
۲۷. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۰۸ق). **بحوث فی علم الاصول**. تقریر: سید محمود ہاشمی شاہرودی، قم: مجمع الشہید آیت اللہ الصدر العلمی، دوم.
۲۸. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۰۸ق). **مباحث الاصول**. تقریر: سید کاظم حسینی حائری، جلد ۱، قم: نشر اسلامی.

۲۹. صفایی، سید حسین. (۱۴۰۲ق). **دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها**. جلد ۲، تهران: میزان.
۳۰. طباطبائی، سید علی. (۱۴۱۲ق). **ریاض المسائل**. جلد ۱۶، قم: مؤسسه نشر اسلامی، اول.
۳۱. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). **قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام**. جلد ۳، قم: دفتر نشر اسلامی، اول.
۳۲. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب. (۱۴۱۷ق). **کشف الرموز فی شرح مختصر النافع**. جلد ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، سوم.
۳۳. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۱۶ق). **القواعد الفقہیہ**. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، اول.
۳۴. فاضل مقداد، جمال الدین. (۱۴۰۴ق). **التنفیخ الرائع لمختصر الشرایع**. جلد ۴، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، اول.
۳۵. فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). **کشف اللثام و الایهام عن قواعد الأحکام**. جلد ۷ و ۱۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۳۶. فخرالمحققین، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ش). **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**. جلد ۴، قم: اسماعیلیان، اول.
۳۷. فلاح مظلومی، حسین. (۱۳۹۶ش). **بررسی نحوه تسهیم خسارت در عاملین متعدد در قانون مجازات اسلامی**. در: همایش ملی تحولات مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران؛ چالش ها و راهکارها (چکیده تفضیلی)، به کوشش: محسن شریفی، تهران: میزان، اول.
۳۸. قاسم زاده، مرتضی. (۱۳۸۷ش). **مبانی مسئولیت مدنی**. تهران: میزان، پنجم.
۳۹. قدسی، سید ابراهیم؛ شهروز نوروزی. (۱۳۹۶ش). **نسبت سنجی مسئولیت رانندگان بر پایه درجه تقصیر آنان**. آموزه های حقوق کیفری، شماره ۱۳، صص ۳۳-۵۵.
۴۰. کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی. (۱۳۵۹ق). **تحریر المجله**. جلد ۱، نجف: مکتبه المرتضویه، اول.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). **الکافی**. جلد ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۴۲. کمپانی اصفهانی، محمد حسین. (۱۴۰۹ق). **الاجاره**. قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم.

۴۳. محسنی، فرید، نصیر ملکوتی. (۱۳۹۴ش). *رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۹۲*. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۱.
۴۴. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد ۴، قم: اسماعیلیان، دوم.
۴۵. محمدی کمرخ، اکرم. (۱۳۹۴ش). *تحولات تقسیم مسئولیت مدنی در تصادفات رانندگی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز.
۴۶. محمدی، سید باقر. (۱۳۹۷ش). *میزان مسئولیت های حقوقی در تعدد اسباب از نگاه فقه اهل بیت (علیهم السلام) و حنفیه و حقوق ایران و افغانستان*. رساله برای دریافت درجه دکتری، جامعه المصطفی العالمیه، مدرسه عالی فقه تخصصی.
۴۷. مدنی کاشانی، آقا رضا. (۱۴۰۸ق). *کتاب الدیات*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۴۸. مرادی، حسن. (۱۳۹۶ش). *جرایم علیه اشخاص (جنایات)*. تهران: میزان، اول.
۴۹. مصطفوی، حسن. (۱۴۱۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. جلد ۱۳، تهران: مرکز الکتاب للترجمه و النشر.
۵۰. مصطفوی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۱ق). *ملئه قاعده الفقہیہ*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چهارم.
۵۱. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (بی‌تا). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*. جلد ۱۴، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ق). *القواعد الفقہیہ*. جلد ۲، قم: مدرسه امیرالمؤمنین، سوم.
۵۳. منصورآبادی، عباس. (۱۴۰۲ش). *حقوق جزای عمومی (۱)*. تهران: میزان، چهارم.
۵۴. موی کشکی، فریبا. (۱۳۹۷ش). *مسئولیت کیفری نسبی در صورت اجتماع اسباب از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: دانشکده الهیات و علوم انسانی.
۵۵. میرسعیدی، منصور. (۱۳۹۰ش). *مسئولیت کیفری (جلد اول) قلمرو و ارکان*. تهران: میزان، سوم.
۵۶. میرمحمد صادقی، حسین. (۱۴۰۳ش). *حقوق جزای اختصاصی (۳): جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص*. تهران: میزان، سی و چهارم.

٥٧. نائيني، محمد حسين. (١٣٧٨ش). *فوائد الاصول*. جلد ٤، قم: جامعه مدرسين
حوزه علميه قم، اول.

٥٨. نجفي، محمد حسن. (١٤١٢ق). *جواهر الكلام*. جلد ٤٣، بيروت: دار الإحياء
التراث العربي، هفتم.

59. Condon v Condon (1978) RTR 483. Available at:
https://www.guildhallchambers.co.uk/files/Contributory_Negligence_Works_hop2_Julian_Benson_Scenarios_PI_Def_Seminar_June_2013.pdf

60. Deakin, Simon & Johnston, Angus & Markesinis, Basil (2001), Tort Law, Oxford, Oxford University Press.

61. Dobbs, Dan B (2001), the Tort of Law, West Group Publishing: New York.

62. Simons, Kenneth W (2015), "Victim Fault and Victim Strict Responsibility in Anglo-American Tort Law", Journal Tort Law; 8(1-2):29-66.

63. The Group of Authors (1993), "Contributory Negligence as a Defense in Contract", the Law Commission, No. 219.

64. The Group of Authors (2001), "The Illegality Defense in Tort", the Law Commission Consultation Paper, No. 160.

65. The Group of Authors (2009), Restatement (Third) of Torts, Liability for Physical and Emotional Harm.